



جغرافیای موسیقی ...



پرتقال

پرتقال قبل از آنکه در قرن نوزدهم بی‌بمنابع هنری خود ببرد تحت تأثیر هنرممالک خارجی قرار گرفته بود. اولین کشوری که در موسیقی پرتقال تأثیر یافت فرانسه بود. بدین ترتیب که «تروبادور»ها که از نغمه پردازان جنوب کشور اخیرالذکر بودند بکشور پرتقال روی آورده و هنر خود را در آنجا مستقر ساختند. سپس جمعی از موسیقی دانان مسدهبی، موسیقی این کشور را در دست گرفتند.

بعد از این دو دوره تا اترایتالیایی بر موسیقی پرتقال مسلط گردید. در پایان این تسلط هنرمندان پرتقالی به گنجهای موسیقی ملی خود اطلاع حاصل کرده و آنرا از تسلط و قید دیگران آزاد ساختند. اما نفوذ موسیقی ایتالیا بکلی از صحنه موسیقی پرتقال رخت بر نیست. شعار و سر لوحه هنری آترسن شارل (St. Charles) که در آغاز قرن بیستم برنامه های بزرگ موسیقی و اپرا اجرایی کرد علناً این بود که بایستی از اپرای ایتالیایی پیروی نمود. این خط مشی اجباری که در سالهای اول قرن بیستم موسیقیدانان پرتقالی

را از ابتکار بازمی داشت برای آنان منافعی را متضمن بود. زیرا آنان را با آثار موسیقیدان ایتالیا Rossini در تماس گذارد و این موسیقیدان تازه کار از این جریان بهره بزرگی برگرفتند. در خصوص موسیقی مذهبی، پرتقال روش متباینی نسبت به سایر ممالک پیش گرفت. در ممالک دیگر مراسم نمازها و عبادات کلیسایی بوسیله ارگ انجام می گرفت (در حال حاضر نیز اغلب بدین طرز رفتار می شود) و لسی در کشور پرتقال مقدسین و معتقدین بسا همکاری یکدیگر ارگستر بزرگی ترتیب داده و عظمت دین مسیح را با این ارگستر نشان می دادند.

در سال ۱۹۱۱ واقعه ای مهم در سازمانهای مذهبی پرتقال روی داد. بدین ترتیب که در این تاریخ تمام دیرها و صومعه ها از طرف دولت منحل گردیده و در این اماکن مدارس غیر مذهبی تأسیس یافت. اما در این جریان یکی از سنن موسیقی مذهبی پرتقال آسیبی بزرگ دید، زیرا بعضی از اسقفها و پیشوایان مذهبی این کشور مثل Concina که به تدریس و تعلیم موسیقی ارگ اشتغال داشتند اجباراً از کار خود دست کشیدند و از آن پس در این زمینه دیگر در کشور پرتقال فعالیتی دیده نشد. در برنامه مدارس موسیقی این کشور در آغاز قرن بیستم بعلت اغتشاشات سیاسی بی نظمی هائی بوجود آمد ولی پس از استقرار رژیم کنسرواتوار لیسبون عده زیادی هنرجو پذیرفت و وضع تعلیم موسیقی سرو صورتی پیدا کرد. در این کنسرواتور شاگرد به تعداد نامحدود پذیرفته می شود ولی در مقابل کنترل کاملی هم از طرف مقامات مسئول موسیقی در آن اعمال می گردد. غیر از کنسرواتوار لیسبون مؤسسات خصوصی موسیقی نیز در جنب و بموازات آن فعالیت پر دامنه ای دارند. مرکز هنری پرتقال تا ترسن شارل است که تمام فعالیتهای موسیقیدانهای خارجی و بومی این کشور در آن متمرکز می شود. پرتقال از حیث هنر موسیقی لیریک Lyrique غنی و از کشورهای طراز اول جهان است. موسیقی کشورهای فرانسه و ایتالیا امروز در پرتقال خواهان دارد. در این اواخر موسیقی آلمانی نیز برای خود جایی باز نموده است. ولی آثار موسیقیدانان خود پرتقال نیز قابل ملاحظه است و علاقمندان فراوانی در این کشور دارا میباشد. در تا ترسن شارل واقع در لیسبون یکی از ارگهای ساخت کاوایه کول (Cavallé - Ccl) سازنده معروف ارگ فرانسوی (۱۸۹۹ - ۱۸۱۱) نصب گردیده است و در اهمیت این ارگ

همین بس که «سن سانس» برای بررسی آن به لیسبون مسافرت نمود. اولین قدم اساسی برای پیشرفت موسیقی کلاسیک در پرتغال در سال ۱۹۰۶ بوسیله برقرار کردن یک سری کنسرت‌های سنفونیک برداشته شد. این عمل طی سال‌های بعد دنبال گردیده و اجرای کنسرت‌های موسیقی مجلسی و ارکستر بزرگ توسعه یافت. برای آنکه توجه عموم به موسیقی کلاسیک جلب شود در این



اواخر دولت پرتغال کنسرت‌هایی با بلیط ارزان قیمت برپا و بدین ترتیب قشر عظیمی از ملت را با موسیقی علمی آشنا ساخت. موسیقیدانان پرتغالی در قرن بیستم منبع الهام خود را فولکلور ملی قرار داده و از این گنج شایان بهره قابل توجهی کسب نموده اند. منابع ترانه‌های حالیه پرتغال عبارتست از آهنگهایی که طی قرون گذشته بوسیله نغمه سرایان پروانس - «تروبا دور» های سرتانیسی - اسپانیاییها و حتی آفریقایی‌ها به این سرزمین انتقال یافته و در آنجا تحت حلاجی و ریزه کاری روح پرتغالی قرار گرفته است. آنچه که سابقاً به پرتغال

وارد شده اغلب چیزی جز یک سلسله اصوات ناموزون و خش نبوده اما این سرزمین لحن خاص خود را همراه با ریتم‌های بینظیر در این اصوات تأثیر بخشید و از آن موسیقی امروزی پرتغال را بوجود آورد.

از استادان بزرگ موسیقی پرتغال A. Keil (۱۸۵۴ - ۱۹۰۷) معاصر آلبنیتیس و فوره می باشد. سرود رسمی کشور پرتغال را او ساخته است. علاوه بر این، استاد نامبرده چند کانتات بنام Patria و Primavera و چند قطعه موسیقی ارکستر برای تأثر نوشته است. فعالیت‌های این موسیقیدان پرتغالی به فعالیت‌های استادان مکتب روس که در عین حال بچند حرفه و کار می پرداختند بی شباهت نیست. استادان مکتب روس مشاغلی را در عین حال دنبال می کردند که مناسبتی با موسیقی نداشت. اما Keil فعالیتش در زمینه هنر بوده و بنقاشی

نیز میپرداخت . دو نفر از استادان موسیقی بر تقال بنامهای گیمارائس - و آردیو
قطعات با ارزشی بر قابت بایکدیگر ساخته اند . در شهرستانهای بر تقال اهالی
بیشتر طرفدار تأثر ملی خود بوده و تمایلی به ابرای و قطعات و پیسهای دراماتیک
نشان نمیدهند . Damotta در آثار خود بیشتر از ترانه های ملی الهام گرفته
است . این موسیقیدان بهر گونه فعالیت هنری دست زده است . او در سال
۱۹۱۸ انجمن کنسرت های لیسبن را تأسیس نمود .

همزمان با او بسیاری موسیقیدانان بزرگ بر تقالی می زیستند . از آن جمله
Lacerda شاگرد و نسان دندی - و Machado که تا سال ۱۹۲۴ در قید حیات
بود و چندین ابرای زبان بر تقالی از خود بر جای گذاشت .

استادانی که در خارج بر تقال معروفیت دارند عبارتند از : Coelho و
Freitas Branco که علاوه بر آهنگسازی در رهبری ارکستر نیز معروف است
— Prado Pinto — Cruz — Costa Freira — Lima — Fao —
— Vasconcellos و Borba .

این آهنگسازان در فاصله بین دو جنگ و هم چنین در حال حاضر موسیقی
کشور خود را از قید نفوذ موسیقی ایتالیائی رها نیده و در حقیقت یک نسانس در
زمینه هنر کشور خود ایجاد نموده اند .

م . ح . نادر امانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی